



پیشنهادمندی برای دانش بنیان شدن تولید

«تولید دانش بنیان» و خطر «تاویل نخبگانی»

راهکارهایی برای اینکه فرمان‌های مقام معظم رهبری
درباره اقتصاد ایران بهتر محقق شود



حجت‌الاسلام
محمدصادق حیدری
عضو هیات علمی
حسینیه اندیشه و
مدرس سطح عالی
حوزه علمیه قم

سخنان مقام معظم رهبری پیرامون نامگذاری سال ۱۴۰۱ به «تولید دانش بنیان و اشتغال آفرین» نشان می‌دهد که ایشان سعی دارند تا کشور از طریق افزایش شرکت‌های دانش بنیان، بر نحوه خاصی از تولید (نقش آفرینی کامل دانش و فناوری پیشرفته در همه عرصه‌های تولید) متمرکز شود و این امر را به «کاهش هزینه‌ها و افزایش بهره‌وری در تولید» مستند کردند و سپس محوریت در دانش بنیان شدن تولید را به «عرصه کشاورزی و تأمین کالاهای اساسی» سپردند تا دو هدف «امنیت غذایی» و «افزایش درآمد کشاورزان» در کنار «اشتغال آفرینی خصوصاً برای جوانان تحصیلکرده» محقق شود. اما به نظر می‌رسد آنچه در جمع‌بندی فوق به آن اشاره شد، با درک متخصصان و ادبیات تخصصی موجود پیرامون «تولید دانش بنیان» تفاوت زیادی دارد. این در حالی است که پیشبرد هر شعار و هدفی در سطح حاکمیت، مرهون ادراک تخصصی

و نخبگانی از آن هدف است و بدنه متخصصان و نخبگان نقشی اساسی در تحقق اهداف ملی دارند. لذا اگر تفاوت غرض مقام معظم رهبری از شعار سال با درک تخصصی متداول از آن مورد توجه قرار نگیرد، عملاً نوعی «تاویل نخبگانی» نسبت به «تولید دانش بنیان، اشتغال آفرین» رقم خواهد خورد که تا حدود زیادی، نظام اسلامی را از نیل به اهداف این شعار محروم خواهد کرد؛ امری که متأسفانه نسبت به شعارهای سال‌های گذشته به‌طور مکرر حاصل شده و از تحقق مطالبه مقام معظم رهبری در واقعیت اقتصاد ایران جلوگیری کرده است، اما برای اینکه تفاوت مورد ادعا روشن شود، توجه به یک مقدمه دو و دو مساله پیرامون درک نخبگانی و تخصصی از «تولید دانش بنیان» ضروری است.

در مقدمه باید به این نکته توجه کرد که تکنولوژی و فناوری به عنوان تکیه‌گاه و محور «تولید دانش بنیان» در دو بخش «تکنولوژی برتر» و «تکنولوژی متوسط» قابل دسته‌بندی است. تکنولوژی برتر یعنی نوعی از فناوری

که هزینه تحقیق و توسعه نسبت به فروش و درآمد آن، درصد بالایی را در برمی‌گیرد و ارزش افزوده فراوانی به دنبال دارد و سهم نیروی متخصص در آن بالا است و تغییرات سریعی در آن رخ می‌دهد.

بخش دوم، تکنولوژی متوسط است که جایگاهی میان تکنولوژی برتر و تکنولوژی ساده یا بیسط دارد. در تکنولوژی ساده، سهم تحقیق و توسعه و سرعت تغییرات و نیروی متخصص و ارزش افزوده پایین است و در سطح گسترده‌ای از جامعه مورد استفاده واقع می‌شود و کالاهای حاصل از آن، نیازهای اساسی انسان مانند غذا، پوشاک و... را تأمین می‌کند. با این توضیحات درباره تکنولوژی برتر و تکنولوژی ساده، جایگاه تکنولوژی متوسط که در میان آن دو قرار دارد، روشن می‌شود. بر این اساس، بحث درباره تولید دانش بنیان را می‌توان ناظر به دو مساله «تکنولوژی برتر» و «تکنولوژی متوسط» پی گرفت.

مساله نخست این است که تکنولوژی برتر و نوآوری و فتح عرصه‌های جدید توسط شرکت‌های دانش بنیان (به نحوی که واقعاً موجب تحول در اقتصاد و افزایش ثروت ملی شوند) به‌طور معمول به سرمایه‌های انبوه و سطح بالایی از پیچیدگی فنی احتیاج دارد. اما حتی کشورهای ثروتمند نیز نمی‌توانند این ملزومات را در همه عرصه‌ها و موضوعات تهیه کنند. لذا گستردگی پدیده دانش بنیان و محدودیت مقدرات ملی، «تقسیم کار بین‌المللی» را ضرورت می‌بخشد. یعنی پیشبرد تولید دانش بنیان در سطح کلان، هنگامی ممکن می‌شود که مقدرات مالی و تکنیکی یک کشور بر اساس اولویت‌بندی، ملزومات را در همه عرصه‌ها و موضوعات خاص (متناسب با مزیت نسبی) متمرکز شود. در نتیجه، توان یک کشور پاسخگوی دانش بنیان شدن تولید در تمامی امور نخواهد بود بلکه برای بهره‌مندی از مواهب تولید دانش بنیان در سایر عرصه‌ها، روابط عمیق با سایر کشورهای صاحب سرمایه و تکنولوژی ضرورت پیدا می‌کند.

پس سطح بالای سرمایه و فناوری در تولید دانش بنیان (به عنوان یک اصطلاح تخصصی که تجارب عینی آن در جهان قابل مشاهده است)، در عمل ملازم با حضور در «زنجیره ارزش جهانی» و قبول تقسیم کاری است که با محوریت قدرت‌های بزرگ تعیین شده است. به همین دلیل است که بخش مهمی از متخصصان علم اقتصاد، تحول در روابط خارجی و «تعامل با جهان» به جای «تعارض با جهان» را به عنوان یکی از دو رکن اساسی برای اصلاحات ساختاری در اقتصاد ایران پیشنهاد می‌کنند.

همچنین متناسب با همین توصیه‌های تخصصی است که چین برای آغاز حرکت اقتصادی خود، نه تنها درگیری سیاسی و تبلیغاتی با آمریکا را کنار گذاشت بلکه میزبان چندین هزار پروژه مشترک با شرکت‌های آمریکایی شد. ناگفته نپیادست که حضور ایران در روند فوق با واقعیتی به نام تحریم‌های گسترده اعمال شده بر نظام جمهوری اسلامی سازگاری ندارد و اساساً هدف تحریم‌ها این است که مانع بهره‌مندی اقتصاد ایران از امکانات موجود در اقتصاد جهانی شود. مهمتر آنکه حتی اگر مانعی به نام تحریم‌ها وجود نداشته، ورود در چرخه پیش‌گفته، با شعار استقلال‌خواهی مکتبی که بحق توسط نظام مقدس جمهوری اسلامی پیگیری می‌شود، ناسازگار خواهد بود بلکه چنین وضعیتی، به‌طور مکرر از سوی مقام معظم رهبری نفی و طرد شده است:

«هدف نشدن در اقتصاد جهانی؛ استقلال در اقتصاد ملی؛ اینها اصول امام در زمینه اقتصاد است.» (۹۲/۳/۱۴)

«اگر بخواهیم این پیشرفت حقیقی انجام بگیرد، باید... در هاضمه خطرناک فرهنگی و اقتصادی جهانی هضم نشویم.» (۹۴/۱۲/۲۰)

”

سخنان رهبر معظم انقلاب
پیرامون نامگذاری سال
۱۴۰۱ به «تولید، دانش بنیان
و اشتغال آفرین» نشان
می‌دهد که ایشان سعی دارند
تا کشور از طریق افزایش
شرکت‌های دانش بنیان،
بر نحوه خاصی از تولید
(نقش آفرینی کامل دانش
و فناوری پیشرفته در همه
عرصه‌های تولید) متمرکز
شود و این امر را به «کاهش
هزینه‌ها و افزایش بهره‌وری در
تولید» مستند کردند و سپس

محوریت در دانش بنیان
شدن تولید را به «عرصه
کشاورزی و تأمین کالاهای
اساسی» سپردند تا دو هدف
«امنیت غذایی» و «افزایش
درآمد کشاورزان» در کنار
«اشتغال آفرینی خصوصاً
برای جوانان تحصیلکرده»
محقق شود

اولویت در اهداف خود را سودآوری برای سرمایه‌های سنگینی که در تحقیق و توسعه بکار رفته‌اند، قرار می‌دهد.

این تعارض آشکار نشان می‌دهد که رهبر معظم انقلاب با وجود توجه به واقعیت‌های موجود در عرصه جهانی تولید، قیودی را به تولید دانش بنیان اضافه کرده‌اند که عملاً متضمن یک «سفارش علمی برای بازتعریف تولید دانش بنیان بر اساس نیازهای ملی و مکتبی» است؛ قیودی که ادبیات تخصصی موجود، آن را در چهارچوب تخصصی خود نمی‌یابد و طبیعتاً تحقق آن را ناممکن می‌شمارد.

روشن است که در چنین شرایطی اگر نخبگان و مدیران انقلابی به طراحی یک تصویر جایگزین از تولید دانش بنیان اهتمام نکنند، آنچه معیار عمل قرار خواهد گرفت، ادراک بدنه تخصصی از این پدیده است که به دلیل درگیری و تعارض آن با سفارش مقام معظم رهبری، هدف نظام از طرح این شعار را به محاق خواهد برد.
بنابراین برای تحقق شعار مدنظر مقام معظم رهبری، باید تصویر جدیدی از

«تولید دانش بنیان» ارائه کرد که هم به اقتدار و استقلال کشور آسیب نزنند و هم با وجود ایجاد بهره‌وری در تولید، ضد اشتغال نبوده و فرصت‌های شغلی در سطح وسیع ایجاد کند و هم کشاورزی و تأمین کالاهای اساسی در آن محوریت داشته باشد. به نظر می‌رسد لازمه جمع بین مؤلفه‌های فوق، که رهبر معظم انقلاب بر آنها تأکید داشته‌اند، محوریت‌بخشی به نوعی از تکنولوژی است که به دلیل پیچیدگی کمتر، نیاز به سرمایه‌های بزرگ نداشته باشد و موجب تمرکز نشود و عموم مردم را از ورود به عرصه تولید منع نکند و صرفه‌جویی و بهره‌وری حاصل از آن، موجب کاهش فرصت‌های شغلی نشود تا وصف «اشتغال آفرین» قابلیت تحقق پیدا کند.

در چنین فرضی، تلقی دیگری از «تکنولوژی متوسط» شکل می‌گیرد که به دلیل کاهش سطح تمرکز و پیچیدگی در آن، با محوریت «کشاورزی و تأمین کالاهای اساسی و تحقق امنیت غذایی» نیز سازگار است. البته مشروط بر اینکه تعریف موجود از «صرفه‌جویی به مقیاس تولید» تغییر کند و به جای سود سرمایه، تعمیم اشتغال به مبنای «صرفه» تبدیل شود.

در این تصویر، «دانش بنیان بودن تولید» کمتر ناظر به پیچیدگی سخت‌افزاری و فنوارانه است و بیشتر بر پیچیدگی نرم‌افزاری دلالت دارد که قادر است پتانسیل تولیدی در اقلیم‌های مختلف و اقتصادانات منطقه‌ای را با نیازهای عمومی و اساسی هماهنگ کند و به دلیل آشنایی با اخلاق و فرهنگ نیروی انسانی در بخش کشاورزی، قدرت تحریک و انگیزش آنها را داشته باشد و بتواند این قشر را از تولید سنتی و پرهزینه، به تولید با ابزارها و روش‌های ساده اما بهره‌ور رهنمون شود.

یعنی تولید دانش بنیان به محوریت نرم‌افزاری تعریف خواهد شد که قدرت هماهنگ‌سازی داشته باشد و از طریق اتصال فعالان عرصه دانش بنیان با تعاونی‌های کشاورزان در استان‌ها و شهرستان‌های گوناگون، در برآیند خود بتواند کالاهای اساسی را از طریق تعمیم اشتغال تأمین کند و شکل بومی و جدیدی از ارتباط صنعت و دانشگاه و تعریف نوینی از اردوهای جهادی و بسیج سازندگی را رقم بزند و بالطبع فضای پرورشی نوینی برای قشر تحصیلکرده و بستر مناسبی برای ارتقای نقش نیروهای جهادی در اقتصاد ملی فراهم آورد.

البته همه اینها در صورتی ممکن و معقول است که تعریف موجود از صرفه و نقطه بهینه در تولید بگونه‌ای تغییر داده شود که سود سرمایه تابعی از تعمیم اشتغال باشد و هدف حاکم بر تولید دانش بنیان به جای ارزش افزوده حاصل از تکنولوژی برتر، «امنیت غذایی» و اشیاع بازار داخل با تمرکز بر تأمین کالاهای اساسی قرار بگیرد.

در این میان نباید فراموش کرد که پرداختن شرکت‌های دانش بنیان به «تکنولوژی برتر» حذف و طرد نخواهد شد بلکه به جای تعریف آنها بر مبنای صرفه اقتصادی، که تحقق آن در وضعیت فعلی کشور ممکن نیست، این فعالیت‌ها بر مبنای «صرفه سیاسی» تعریف خواهند شد و به جای تولید کالاهای لوکس برای مصارف عمومی، به رفع نیازهایی خواهند پرداخت که از سوی بخش سیاسی کشور سفارش داده می‌شود و اقتدار نظام در برابر قدرت‌های جهانی را در پی می‌آورد.

”

پیشبرد هر شعار و هدفی در
سطح حاکمیت، مرهون
ادراک تخصصی و نخبگانی
از آن هدف است و بدنه
متخصصان و نخبگان نقشی
اساسی در تحقق اهداف
ملی دارند. لذا اگر تفاوت
غرض رهبر معظم انقلاب از
شعار سال با درک تخصصی
متداول از آن مورد توجه قرار
نگیرد، عملاً نوعی «تاویل
نخبگانی» نسبت به «تولید،
دانش بنیان و اشتغال آفرین»
رقم خواهد خورد که تا

حدود زیادی، نظام اسلامی
را از نیل به اهداف این شعار
محروم خواهد کرد؛ امری که
متأسفانه نسبت به شعارهای
سال‌های گذشته به‌طور
مکرر حاصل شده و از تحقق
مطالبه رهبر معظم انقلاب
در واقعیت اقتصاد ایران
جلوگیری کرده است

با لحاظ این مجموعه تدابیر، هم اشتغال آفرینی در تولید دانش بنیان امکان‌پذیر خواهد شد و هم بهره‌وری در تولید افزایش خواهد یافت و هم امنیت غذایی و کاهش آسیب‌پذیری از تحریم‌ها تسهیل خواهد شد که زمینه را برای ثبات در اقتصاد ایران فراهم خواهد کرد؛ مشروط به آنکه در بافت واردات نیز تجدید نظر شود و سیاست‌های جدیدی نسبت به الگوی مصرف در غیرکالاهای اساسی اتخاذ گردد.

آنچه در سطور فوق گذشت، پیشنهادهایی کوتاه‌مدت و میان‌مدت پیرامون دانش بنیان شدن تولید بود اما برای پیشنهاد‌های بلندمدت باید به این مهم توجه کرد که تولید دانش بنیان به معنای تکیه به دانش و فناوری نوین برای ورود به عرصه‌های جدید و بی‌سابقه است و در این صورت، طبیعی است که نوآوری‌های حاصل از آن، وضعیت زندگی انسان را تغییر می‌دهد. کما اینکه ظهور اینترنت و گوشی‌های همراه و شبکه‌های اجتماعی، زیست امروزین ما را دگرگون کرده است.

پیشنهاد‌هایی کوتاه‌مدت و میان‌مدت پیرامون دانش بنیان شدن تولید بود اما برای پیشنهاد‌های بلندمدت باید به این مهم توجه کرد که تولید دانش بنیان به معنای تکیه به دانش و فناوری نوین برای ورود به عرصه‌های جدید و بی‌سابقه است و در این صورت، طبیعی است که نوآوری‌های حاصل از آن، وضعیت زندگی انسان را تغییر می‌دهد. کما اینکه ظهور اینترنت و گوشی‌های همراه و شبکه‌های اجتماعی، زیست امروزین ما را دگرگون کرده است.